

لزوم تأکید بر «محبوبیت» حضرت زهرا(س)/ استاد پناهیان

پناهیان: امروز باید در جامعه جهانی بیشتر بر «محبوبیت» حضرت زهرا(س) تأکید کنیم تا بر مظلومیت ایشان. کافی است محبت شما به حضرت زهرا(س) به گوش مردم عالم برسد. «محبّت» زبان مشترک همه دنیاست؛ می‌توانیم با نمایش محبوبیت حضرت زهرا(س) از همه مردم جهان دلبری کنیم

حجت الاسلام پناهیان در ایام فاطمیه سال ۱۳۸۷ در سه جلسه به بررسی ابعاد مختلف ضرورت «تأکید بر محبوبیت حضرت زهرا(س)» به ویژه در ایام فاطمیه پرداخت و برخی از آثار و برکات مهم پرداختن محبوبیت حضرت بیش از مظلومیت ایشان را برشمرد و محوریت دادن «محبت» را عامل بالا بردن ارزش مظلومیت دانست. گرچه پناهیان پس از سال ۸۷ تاکنون بارها به تبیین ضرورت توجه به این راهبرد پرداخته است، اما شاید هنوز این سه جلسه جامع‌ترین بحث در این زمینه باشد. در ادامه چکیده‌ای از این سه جلسه را می‌خوانید:

جایگاه فاطمیه

ایام فاطمیه برای ما یادآور مفاهیم بسیار مهم و کلیدی است که در تاریخ اسلام جایگاه بسیار مهمی دارد و علاوه بر زندگی فردی و رابطه شخصی ما با اهل بیت(ع) زندگی اجتماعی ما را نیز تحت تأثیر قرار دهد. ارتباط با این مفاهیم، برکات و فوائد زیادی برای اهل معنویت دارند. فاطمیه برای ما پیام آور درس‌ها و حقایق گوناگونی از دین است، که گاهی این درس‌ها بسیار عمیق‌تر از درس‌هایی است که از کربلا می‌توان گرفت.

در میان این مفاهیم، «مظلومیت» و «محبوبیت» حضرت زهرا(س)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هم «مظلومیت» حضرت زهرا(س) برای ما بسیار معنادار است و هم «محبوبیت» حضرت زهرا(س) برای ما حامل معارف عمیق دینی است.

محبوبیت حضرت زهرا(س)، محور فاطمیه

محبت حضرت زهرا(س) در انسان‌ها بسیار تأثیرگذار است؛ و می‌توان آن‌را محور فاطمیه فرض کرد. به حدی که مظلومیت و حتی شهادت حضرت زهرا(س) را می‌توان فرع آن تصور کرد. گاهی اوقات ممکن است مظلومیت کسی او را محبوب کند، ولی در فاطمیه این محبوبیت حضرت است که بدون مظلومیت هم در دل می‌نشیند و حتی مظلومیت او را غیر قابل تحمل می‌کند.

نص صریح قرآن هم به این محبوبیت و ابراز این محبت اشاره دارد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو من هیچ پاداشی از شما بر انجام رسالتم نمی‌خواهم، مگر دوست داشتن نزدیکانم.»^۱

۱. لزوم تأکید بر محبوبیت حضرت در «جامعه جهانی»

در حال حاضر ما در جامعه جهانی و در فضایی زندگی می‌کنیم، که دشمنان فراوانی داریم و ادیان زیادی شاهد دینداری ما هستند و گاهی مشاهده می‌کنیم که بر علیه اسلام، فیلم می‌سازند و اسلام را دین خشن و غیر انسانی معرفی می‌کنند.

ما هم اکنون در چنین فضایی فاطمیه را ارج می‌نهیم و بزرگ می‌داریم. حال می‌خواهیم بدانیم محور این فاطمیه باید محبوبیت حضرت باشد یا مظلومیت ایشان؟ تأکید بر کدام یک، در جامعه جهانی اثرگذارتر است؟ با توجه به فضای موجود، کدام حرف ما بیشتر مورد توجه جهانیان قرار خواهد گرفت؟

در جامعه جهانی اگر به «مصلحت» نگاه کنیم، باید «محبوبیت» حضرت زهرا(س) را مطرح کنیم.

محبت، زبان همه

«محبت» زبان مشترک همه دنیاست. محبت، یک موضوع فرادینی، فرامذهبی و فرافرهنگی است. یکی از چیزهایی که مرز ندارد، محبت است. این‌را همه دنیا می‌فهمند که «یک کسی را دوست داشتن» قشنگ است و لذت دارد؛ قیمت دارد.

اینکه «مَنّی هستند که «مادر»ی را در حدّ اعلای دوست دارند و چنین با شکوه از او ستایش می‌کنند؛ اینکه این‌قدر به او عشق می‌ورزند که حاضرند برای او بمیرند...» این برای همه زیبا و دیدنی است. همه دوست دارند این محبت را ببینند. می‌توانیم با نمایش این محبوبیت حضرت زهرا(س)، از همه مردم جهان دلبری کنیم.

محبت، ندای فطرت

اما اینکه چرا «انسان» به راحتی با محبت همه چیز را می‌فهمد و محبت برای همه قابل درک است، باید گفت که خدا انسان را اینگونه خلق کرده است. امام محمد باقر(ع) فرمودند که «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؛ آیا دین چیزی جز محبت است؟»^۲ از آنجا که اولاً دین چیزی جز محبت نیست؛ ثانیاً دین، مفقود به فطرت الهی «انسان» است؛ می‌توان گفت «انسان» چیزی جز محبت نیست. جایگاه محبت در انسان، امری فطری است. لذا شما می‌توانید با مرام محبت، عالم را فتح کنید. محبت اکسیر عجیبی است.

در عالم شخصیتی بمانند حضرت زهرا(س) اصلاً وجود ندارد؛ تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و اساطیر و افسانه‌های جهان بشریت، هرگز نتوانسته‌اند حتی در ابعاد بسیار بسیار کوچکتر، شخصیتی دوست‌داشتنی مثل حضرت زهرا(س) را بسازند. ما این شخصیت بزرگ را داریم. چنین شخصیت‌والایی که اگر تمام درختان، قلم و دریاها مرکب شوند که در محبت حضرت زهرا(س) شعر سروده شود و مطلب نوشته شود باز هم کم است. ما همین مقدار اطلاعات اندکی که از زندگی ۱۸ ساله این بانوی بزرگوار داریم، می‌توانیم در عالم غوغا کنیم، پس چرا به این مسأله نپردازیم؟

کافی است محبت شما به حضرت زهرا(س) به گوش مردم عالم برسد. اگر این محبت را بشنوند و ببینند، می‌گساران پیاله‌ها را بر زمین می‌کوبند، رقصان از رقص بازمی‌ایستند و آوازه خوانان سکوت می‌کنند تا محبت شما به حضرت زهرا(س) را به تماشا بنشینند.

۲. لزوم تأکید بر محبوبیت حضرت در «جهان اسلام»

در جهان اسلام، اختلافی بر سر محبوبیت حضرت زهرا(س) نیست. در جهان اسلام هم، مصلحت ایجاد می‌کند که محبوبیت حضرت زهرا(س) را مطرح کنیم؛ ایشان دختر پیامبر(ص) است و ما چه شیعه و چه سنی، دوستش داریم. محبوبیت حضرت زهرا(س) در جهان اسلام به‌گونه‌ای است که حتی یکی از مفتی‌های وهابی که حکم ارتداد شیعه را داده بود، به محبت نسبت به حضرت زهرا(س) اعتراف داشت. در طول تاریخ نیز اهانتی به نام حضرت زهرا(س) صورت نگرفته است. حتی آن زمانی که نسبت به امیرالمومنین(ع) و نام ایشان جسارت می‌ورزیدند، نسبت به نام حضرت زهرا(س) بی‌احترامی نکردند.

در جهان اسلام حتی کسانی که نسبت به مظلومیت حضرت، حرف‌هایی دارند، نسبت به محبوبیت ایشان اعتراض ندارند و حتی خود را مدافع این محبوبیت هم می‌دانند.

محبوبیت حضرت زهرا(س)، عامل وحدت

امروز جامعه اسلامی هم، به محوریّت محبوبیت حضرت زهرا(س)، نیاز دارد. محبت به حضرت زهرا(س) دستور صریح قرآن است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو من هیچ پاداشی از شما بر انجام رسالتم نمی‌خواهم، مگر دوست داشتن نزدیکانم.»^۳

به دستور قرآن، محبت به اهل بیت پیامبر و حضرت زهرا(س) به عنوان مزد و اجر رسالت آخرین پیامبر، معرفی شده است. این تأکید قرآن، یکی از وجوه مشترک شیعه و سنی است؛ بنابراین محبت حضرت زهرا(س) می‌تواند محور وحدت شیعه و سنی در مقابل دشمنان اسلام قرار گیرد. «عَالُوا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ»^۴ بیاید بر آن وجه مشترک خودمان تأکید کنیم؛ وجه مشترک ما فاطمه(س) است.

سالها قبل مقام معظم رهبری فرمودند: «اهل بیت و محبت اهل بیت، محور وحدت شیعه و سنی است.»^۵ این، نکته بسیار ظریف و هوشمندانه‌ای است؛ علی‌رغم تصور خیلی‌ها، اهل بیت مهمترین محور وحدت مذاهب اسلامی هستند.

امروزه به دلیل شرایط خاص جهان اسلام و نیز شرایط خاص جهان بشریت، ما نیاز داریم به اینکه پیش از مظلومیت و بیش از آن، به محبوبیت حضرت زهرا(س) بپردازیم. نه اینکه مصلحت‌اندیشانه از حقایق پیرامون مظلومیت ایشان عقب‌نشینی کنیم. مظلومیت حضرت زهرا(س) بیرق پرافتخار و فتح‌آور تشیع و از سرحدات معارف شیعی است، و یک وجب هم نباید از آن عقب‌نشینی کرد. اما شرایط جامعه جهانی و جامعه اسلامی ایجاب می‌کند که بر محوریّت محبوبیت ایشان، تأکید بیشتری بورزیم. و به این ترتیب زمینه لازم برای طرح مباحث مربوط به مظلومیت را فراهم آوریم و اثر آن را بیشتر کنیم.

۳. لزوم تأکید بر محبوبیت حضرت در «جامعه شیعی»

نقش «محبوبیت» حضرت زهرا(س) در «رشد» جامعه شیعی

در جامعه مؤمنانه ما، محور باید محبوبیت باشد یا مظلومیت؟ به جان خود مراجعه کنید و ببینید در ایام فاطمیه که جگرتان می‌سوزد و آتش می‌گیرد، آیا اگر حضرت زهرا(س) در این ایام به مرگ طبیعی از دنیا رفته بودند نیز همین مقدار قلب شما گداخته می‌شد؟

بنا به دستور صریح قرآن باید فاطمه (س) را دوست داشت و این محبت را ابراز کرد. لذا حتی اگر فاطمه (س) به مرگ طبیعی از دنیا رفته بودند، باید قلب ما همین مقدار می‌سوخت.

در جامعه اسلامی، اگر یک عالم دینی از دنیا برود، اسلام ضربه می‌خورد. «إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ ثَلَمٌ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةٌ لَا يَسْتُهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۶ مسلم است با از دنیا رفتن دختر پیغمبر که جبرئیل امین با او سخن می‌گفت^۷، که کفو امیرالمؤمنین(ع) است^۸ و پاره جگر

^۳ قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۲۳

^۴ «بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است». قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۶۴

^۵ مسلمانان می‌توانند بر دو محور محبت به اهل بیت(ع) و نیز آموزش دین و تعلم معارف و احکام الهی از زبان اهل بیت اتفاق نظر و اتحاد داشته باشند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت کنندگان در کنفرانس جهانی اهل البیت(ع)، ۱۳۶۹، ۳، ۴)

^۶ امام علی (ع): «وقتی عالم بمیرد، رخنه‌ای در دین پدید می‌آید، که تا روز قیامت هیچ چیز آن را پر نمی‌کند» محاسن، جلد ۱، صفحه ۲۳۳

^۷ کافی، جلد ۱، صفحه ۲۷۰، باب فی ان الائمة محدثون

^۸ «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): (لَوْ لَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَدَمُ فَمَنْ دُونَهُ؟ اگر امیرالمؤمنین علی (ع) - او را به همسری برنمی‌گرفت، برای او کفو و همتایی بر روی زمین نبود. از حضرت آدم بگیر تا آخر». خصال شیخ صدوق، جلد ۲، صفحه ۴۱۴

پیغمبر(ص)^۱، حتی به مرگ طبیعی، اسلام و مسلمین ضربه‌ای به مراتب سنگین‌تر می‌خورند. آیا جامعه ما به این «رشد» رسیده است که حتی در صورت رحلت حضرت زهرا(س) و نه شهادت او، این چنین احساس مصیبت نکند و بسوزد؟!

توجه به رشد محبوبیت به معنای غفلت از مظلومیت نیست. بلکه کسانی که برای محبوبیت فاطمه زهرا(س) می‌سوزند و گریه می‌کنند دیگر برای مظلومیتش چه خواهند کرد؟ اینها که وقتی به طور عادی از او یاد می‌کنند، بغض می‌کنند، برای درد و ماتم او چه می‌کنند؟

جامعه مؤمنانه ما به این رشد نیاز دارد. ما باید خود را آموزش دهیم و تربیت کنیم، که فقط برای امام مظلوم اشک نریزیم و نسوزیم. ما می‌خواهیم در رکاب امام زمانی بمیریم که در اوج اقتدار خواهد بود. مگر بناست فقط برای هر امامی که مظلوم واقع شد کار کنیم و بمیریم؟

نقش «محبوبیت» حضرت زهرا(س) در «اصلاح» جامعه شیعی

محبوبیت حضرت زهرا(س)، فقط اولویت جامعه جهانی، و جامعه اسلامی نیست. جامعه شیعی ما نیز باید همچنان بر طبل محبت حضرت زهرا(س) بکوبد. فرهنگ شیعی ما، عطشناک این محبوبیت است. در فرهنگ جامعه ما، آن چیزی که خوب دیده می‌شود «احترام» به حضرت است. اما احترام را با «محبوبیت»، اشتباه نگیریم. این محبوبیت هنوز در جامعه ما جای کار دارد. افزایش این محبوبیت در بین افراد جامعه، بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی ما را حل خواهد کرد.

۱. اصلاح رفتار و منش زنان جامعه

وضع حجاب، رفتار و منش زنان جامعه و تربیت خانواده‌ها از مسائلی است که با رواج «محبوبیت» در جامعه به سهولت اصلاح خواهد شد. اما اینکه چه رابطه‌ای میان رواج محبوبیت و حل مشکلات جامعه وجود دارد، بر می‌گردد به رابطه‌ای که میان «محبت»، «عمل» و «معرفت»، وجود دارد:

«محبت»، اصلاح‌کننده «عمل» و عامل «معرفت»: این حرف صحیحی نیست که ما نسبت به حضرت زهرا(س) به قدر کافی «محبت» و علاقه داریم، پس حالا باید برویم نسبت به ایشان «معرفت» کسب کنیم و از ایشان درس بگیریم تا بتوانیم در «عمل»، پیرو ایشان باشیم. چه کسی گفته است میان «محبت» و «عمل» باید واسطه‌ای به اسم «معرفت» قرار داد؟ «محبت» خود عامل پیروی و عمل است.

مقصود، انکار ارزش «علم» و «معرفت» نیست. ما به «معرفت» هم نیاز داریم. اما در کنار توصیه به محبت، به توصیه‌ای مستقل برای کسب معرفت نیاز نداریم. کسی که می‌گوید من حضرت زهرا(س) را دوست دارم، اما رفتارش در عمل مثل ایشان نیست، مشکلی این نیست که به یک دوره آموزشی نیاز دارد؛ مشکلی این است که حضرت زهرا(س) را «کم» دوست دارد. باید بیشتر او را دوست داشته باشد تا مثل او بشود. نمی‌خواهد به او توصیه کنیم که «برو حضرت زهرا(س) را بشناس»، بلکه باید به او بگوییم: «حضرت زهرا(س) را بیشتر دوست داشته باش.» البته افزایش معرفت، خودش می‌توان به عنوان یکی از راه‌ها و ابزارهای بالا بردن محبت عمل کند.

الان هیچ پچه شیعه‌ای در جامعه ما نیست که اسم پسرش را یزید بگذارد؛ سرش را هم بی‌روی این کار را نمی‌کند؛ چرا؟ آیا در کلاس کسب معرفت شرکت کرده است که این کار را نمی‌کند؟ یا همان مقدار «محبتی» که به اباعبدالله الحسین(ع) در دل او هست نمی‌گذارد این کار را نکند. همین «محبت» اقتضا می‌کند که برخی از رفتارها در جامعه محال باشد.

خب در مورد بی‌حجابی هم همین است؛ اگر «محبت» نسبت به حضرت زهرا(س) در میان زنان ما افزایش بیابد، بی‌حجابی به همین صورت محال می‌شود.

^۱ قال رسول الله(ص): «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ فاطمه پاره تن من است». العمده، صفحه ۲۸۴

۲. بالا رفتن سطح معنوی زنان

زنان نیمی از جامعه نیستند؛ همهٔ جامعه‌اند. زنان به دلیل تأثیر ویژه‌ای که در خانواده و تربیت فرزندان دارند، نقشی حساس‌تر و ویژه‌تر از مردان جامعه دارند. به همین دلیل بیشتر از مردان هم به رشد معنوی نیاز دارند. ارتباط آنها با حضرت زهرا(س) به سهولت آنها را به قلّهٔ معنویت خواهد رساند. کافی است با رواج محبوبیت حضرت زهرا(س)، زنان جامعه به ایشان نزدیک‌تر شوند. کافی است با رواج محبوبیت حضرت زهرا(س) زمینهٔ توجه زنان به ایشان بیشتر شود. وقتی عظمت این محبوبیت در جامعه رواج پیدا کند، زنان از اینکه یک زن در دین این‌قدر اهمیت دارد و این‌قدر مورد علاقه و احترام جامعه است، احساس «هویت» خواهند کرد؛ در نتیجه دینداری و معنویت برای آنها راحت‌تر خواهد بود.

۳. بالا رفتن اقتدار جامعه

خداوند آخرین پیامبرش را با «رعب» نصرت کرد: «وَنَصَرَهُ بِالرُّعْبِ»^{۱۰} در مقابل دشمنانشان که می‌ایستادند خداوند چنان ابهتی به پیامبر و لشکریانشان می‌داد که رعب و ترس، دشمنان پیامبر را فرا می‌گرفت. خداوند وعده داده است که آخرین امامش را هم با «رعب» نصرت بدهد.^{۱۱} در روایات داریم که رعبِ در دل دشمنان، زمینهٔ پیروزی سریع لشکریان حضرت را فراهم خواهد کرد.^{۱۲}

این رُعب از چه چیزی پدید می‌آید؟ اگر دقیق نگاه کنیم می‌بینیم که: رعب، از شجاعت پدید می‌آید و شجاعت از قلب محکم؛ و قلب که وسعتش به اندازهٔ عرش الهی است، وقتی محکم خواهد شد که از «محبت» به مولا پُر شده باشد. این «محبت» است که اگر تشدید بشود، به انسان قدرت فداکاری و شجاعت در راه محبوب و خواسته‌های او را می‌دهد. وقتی «محبت» وجود تو را فرا گرفت، به راحتی فدای محبوب می‌شوی؛ در نتیجه «شجاعت» در دل تو موج خواهد زد و همین شجاعت، «رعب» در دل دشمن ایجاد خواهد کرد.

امروز نیز جامعهٔ ما برای ایستادگی در مقابل دشمنانش به این «رعب» نیاز دارد. پیروزی ما بر دشمنان ما با همین «رعب» امکان‌پذیر خواهد بود. با ابهت مقام محبت ما به مولايمان، دشمن جرأت تعدی به ما را پیدا نخواهد کرد.

اینکه دشمن به هیأت‌ها حساس شده است و می‌بینیم که حتی اقدام به بمب‌گذاری در هیأت می‌کند، به خاطر این است که فهمیده است محوریّت «محبت اهل بیت» چه ابهت و اقتداری به شیعه می‌دهد.

۴. «محبت» اصلاح‌کننده «عمل» و «اندیشه» آحاد جامعه

ممکن است گفته شود که در جامعهٔ ما دیگر محبوبیت حضرت زهرا(س) جا افتاده است و باید به دنبال کسب «معرفت» نسبت به حضرت زهرا باشیم؛ باید به دنبال این باشیم که «عمل» خود را درست کنیم و در عمل پیرو ایشان باشیم.

۱. «محبت» مصلح عمل: کسی که عملش ضعیف است، دلیلش این است که محبتش کم است. نباید برای عمل، توصیهٔ مستقل کرد. توصیهٔ به محبت کافی است. به خانم‌ها نباید گفت که: شما حضرت زهرا(س) را دوست دارید پس بیایید یک کار دیگر هم انجام دهید و حجابتان را هم درست کنید. این توصیه، یک غلط مشهور است. باید به خانم‌ها این گونه گفت: شما که حضرت زهرا(س) را دوست دارید، اگر بیشتر دوستش می‌داشتید، حجابتان هم خود به خود درست می‌شد.

^{۱۰} امام صادق (ع): «... و خداوند او را با رعب یاری کرد». کافی، جلد ۳، صفحه ۱۷

^{۱۱} «عن ابی جعفر ع: ... وَأَمَّا سَهْمٌ مِنْ جَدِّهِ الْمُطَفَّى ص فُخِرَ وَجْهُهُ بِالسَّيْفِ وَ ... وَ أَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَ الرَّعْبِ»، کمال الدین، جلد ۱، صفحه ۳۲۷

^{۱۲} امام باقر (ع): «... وَ يَسِيرُ الرَّعْبُ قَدَامَهَا شَهْرًا وَ رَعْبٌ دَرِيشَايِشْ أَوْ، به فاصلهٔ یک شهر، می‌رود»، بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۶۰

۲. «محبت» عامل کسب معرفت: جامعهٔ دینی ما اگر نیاز به معرفت بیشتر نسبت به حضرت زهرا(س) دارد، باز هم باید «محبت» را افزایش بدهد. محبت، معرفت ساز است. پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «بچه‌های من را دوست داشته باشید، خدا به شما حکمت می‌دهد».^{۱۳} حکمت، که گمشدهٔ مؤمن است^{۱۴}، حکمت که یعنی بدون معلّم، عالم شدن است، با «محبتِ اهل بیت(ع) به دست می‌آید.

۴. لزوم تأکید بر محبوبیت حضرت در «جان ما»

از نظر فردی و درونی، پرداختن به مظلومیت حضرت زهرا(س) اثر معنوی بیشتری در ما دارد یا پرداختن به محبوبیت؟ پرداختن به محبوبیت اجر و قرب بیشتری دارد و بیشتر ما را مقرب می‌سازد یا پرداختن به مظلومیت حضرت زهرا(س)؟

تردیدی نیست که ذکر مظلومیت و حقانیت حضرت زهرا(س) بسیار دستگیر است و اثر عمیقی در دل‌ها دارد. این اثر خیلی از وقت‌ها ملموس و برای همه قابل احساس است. اما لزوماً چنین نیست که هر چیزی که اثر ملموس و راحت‌تری داشت، ارزش بیشتری هم داشته باشد.

یک روضه‌هایی هستند که این روضه‌ها برای همه زیاد گریه‌آور نیست، اما اگر کسی پای آنها سوخت، قیمت این سوختن بالاتر است. مثلاً یکی برای زخم‌های امام حسین(ع) گریه می‌کند؛ اما یکی این توانایی را دارد که بر غربت امام حسین(ع) هم گریه کند؛ و یا بالاتر برای آرمان‌های حسین(ع) هم گریه کند. مسلّم است که اشک بر غربت و آرمان‌های حسین(ع) ارزش بیشتری دارد. آن کسی که برای غربت امام حسین(ع) و بالاتر از آن برای آرمان‌های امام حسین(ع) گریه می‌کند، معلوم است که درد دین بیشتری وجود او را فرا گرفته است.

همه می‌توانند برای اینکه برادری را در مقابل دیدگان خواهرش کشتند، متأثر شوند و اشک بریزند؛ اما آیا هر کسی می‌تواند بر این متأثر شود که حضرت زینب(س) در مقابل خود، کشته‌شدن «امام زمان» اش را دیده است و برای این بسوزد؟

در فاطمیه، سوختن و گداختن برای مظلومیت حضرت زهرا(س) قیمت بی‌نظیری دارد و در عین حال کار ساده‌تری است نسبت به اینکه برای محبوبیت حضرت زهرا(س) بسوزی و گداخته شوی. این خیلی دشوارتر است و قیمت بالاتری هم دارد.

«یک اصل طلایی» در اصلاح دل

دل، غرفه‌های متعددی دارد که جای محبت‌های متنوع و صفات متنوع است. هم محبت‌ها و صفات خوب و هم محبت‌ها و صفات بد که با هم درگیر می‌شوند. گاهی محبتِ به یک خوبی تو را به سمت خود می‌کشد و گاهی محبت به یک بدی. تغییر دل کار سختی است. تغییر دل کار کسی جز خود دل نیست. اصل طلایی اصلاح دل این است که: غرفه‌های دل به هم ربط دارند؛ اگر یک خوبی در دل تقویت بشود، این خوبی، بدی‌ها را از غرفه‌های دیگر بیرون خواهد کرد. البته اگر یک بدی هم در دل تقویت شود، عکس این تأثیر را خواهد داشت.

در روایات داریم که اگر یک نقطهٔ نورانی در دل وجود داشته باشد، این نقطه کم کم سیاهی‌های دل را از بین می‌برد تا جایی که دیگر هیچ سیاهی در دل نمی‌ماند؛ و اگر یک بدی در دل تقویت بشود، مثل یک سلول سرطانی تکثیر می‌شود و همهٔ دل را فرا می‌گیرد.^{۱۵} خیلی عجیب است. اگر در دل یک خوبی پدید بیاید، خودش عامل «تزکیه» است؛ و چه خوبی بالاتر، بهتر و تأثیرگذارتر از محبت به حضرت زهرا(س).

^{۱۳} «مَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي»، بحار الانوار، جلد ۲۷، صفحه ۱۱۶

^{۱۴} امام صادق (ع): «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ»، کافی، جلد ۸، صفحه ۱۶۸

^{۱۵} «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً مِنْ نُورٍ وَ فَتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَ وَكَّلَ بِهِ مَلَكًا يُسَدِّدُهُ وَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ سُوءٍ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً سَوَاءً وَ سَدَّ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَ وَكَّلَ بِهِ شَيْطَانًا يُضِلُّهُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ فَمَنْ بُرِدَ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَضْرِبُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ مَنْ بُرِدَ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلُ صَدْرَهُ ضَلْفًا حَرَجًا كَانَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ»، کافی، جلد ۱، صفحه ۱۶۶

«محبت»؛ عامل تزکیه

خداوند می‌فرماید «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛ پیامبر امت خود را پاک می‌کند و به آنها علم و حکمت می‌آموزد»^{۱۶}، معنای «يُزَكِّيهِمْ» چیست؟ آیا معنایش این است که پیغمبر(ص) برای مردم کلاس اخلاق بگذارد؟ به آنها توصیه اخلاقی بکند؟ اگر مقصود، درس اخلاق باشد که می‌شود همان «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»؛ «يُزَكِّيهِمْ» یعنی پیغمبر دلشان را می‌برد و با این دلبری و به واسطه این محبتی که مردم به او که اسوه خوبی‌ها است پیدا کرده‌اند، آنها را پاک می‌کند.

وقتی انسان به اسوه خوبی‌ها محبت پیدا کرد، کم کم این محبت در غرفه‌های دیگر دل هم اثر می‌گذارد. کم کم «محبت به خوبی‌ها» هم در دل انسان رونق می‌گیرد. کم کم بدی‌ها هم از دل انسان رخت برمی‌بندد. لذا محبت به پیامبر و اهل بیت او پاک کننده است: «وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَائَتِكُمْ طَبِيبًا لِّخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِّأَنْفُسِنَا وَ تَزَكِيَةً لَّنَا وَ كَفَّارَةً لِّذُنُوبِنَا؛ و آنچه را که خداوند از دوستی شما برای ما مقرر کرده است، موجب پاکیزگی خلقت ما، و پاکی جان‌های ما، و پاک‌کننده‌ای برای ما، و پوشاننده گناهان ما است.»^{۱۷}

محبت حضرت زهرا(س) را در دلتان افزایش دهید تا پاک شوید. یک اصل طلایی برای رسیدن به این محبت این است که این محبت را از امیرالمؤمنین(ع) تمنا کنید. امیرالمؤمنین(ع) خیلی محبان و ارادتمندان به صدیقه کبری(س) را دوست دارد. می‌دانید چرا؟ چون آن روزی که به فاطمه‌اش جسارت کردند، علی تنها بود...

«محبت»؛ عامل ولایت‌پذیری قلبی

خدا از کسی ولایت‌پذیری ظاهری را قبول نمی‌کند. اینکه در «ظاهر» در مقابل حکم رسول خدا و امیرالمؤمنین بگویی «چشم»، اما در «باطن» ته دلت به این حکم راضی نباشد، هیچ ارزشی نزد خدا ندارد. خدا به خودش در قرآن قسم خورده است که چنین کسی ایمان ندارد. خداوند، فقط تسلیم واقعی را می‌پذیرد؛ تسلیمی از صمیم دل: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ نه، سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورند، مگر آنکه در نزاعی که میان آنهاست تو را داور قرار دهند و از حکمی که تو می‌دهی هیچ ناخشنود نشوند و سراسر تسلیم آن گردند.»^{۱۸}

حُب معلوم است که تسلیم واقعی و راضی بودن به حکم ولی خدا از ته دل، با محبت درست می‌شود. اینکه در ته دلت هیچ سختی از حکم رسول خدا احساس نکنی، فقط با محبت به دست می‌آید. خیلی باید پیامبر(ص) و اهل بیتش را دوست داشته باشی و این محبت را لایه‌لایه در درون خود افزایش بدهی تا به «يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» برسی.

لذا تا در محضر امام زمان(ع) قرار نگرفته‌ایم، باید محبت خود به اهل‌بیت را افزایش بدهیم تا به این ولایت‌پذیری قلبی برسیم. اهل‌بیت خودشان ما را ترسانده‌اند، فرموده‌اند قبل از ظهور، خودتان را آماده کنید.

خورشید اگر به گل بتابد، شکوفه‌های آن را معطر می‌سازد و اگر به مردار بتابد، فضا از بوی تعفن آن پُر خواهد شد. خورشید ولایت هم اگر از پس پرده غیبت در بیاید و یک دستور صادر بکند، کسی که یک ذره «انانیت» در گوشه قلبش باشد، بوی تعفن آن انانیت بلند خواهد شد.

^{۱۶} قرآن کریم، سوره جمعه، آیه ۲

^{۱۷} مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، و نیز: من لایحضره الفقیه، جلد ۲، صفحه ۶۱۳

^{۱۸} قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۶۵

«محبت»؛ تنها عامل رهایی از عجب و خودبینی

خیلی سخت است که آدم به اینجا برسد که خوبی‌های خودش را نبیند و دچار عُجب نشود. حتی آدم‌های خوب، در خطر ابتلاء به عجب قرار دارند.

تنها چیزی که انسان را از این افتادن به این مهلکه نجات می‌دهد، «محبت» است. محبت نه تنها بدی‌های انسان را می‌سوزاند، که شرحش گذشت، خوبی‌های انسان را هم در نظر خود انسان می‌سوزاند. فقط «عاشق»‌ها هستند که هر چه خوب‌تر می‌شوند، افتاده‌حال‌تر می‌شوند و بیشتر احساس ناداری در مقابل محبوب می‌کنند. تنها چیزی که انسان را از «منیت» نجات می‌دهد، آتش محبت است. عاشق که شدی فقط محبوب را می‌بینی؛ دیگر «خودت» را نمی‌بینی. عاشقی که هیچ وقت نماز شیش ترک نشده باشد، وقتی یاد نماز شب‌های حضرت زهرا(س) می‌افتد، اصلاً نماز شب‌های خودش را از یاد می‌برد گویی اصلاً نماز شب نخوانده است؛ می‌گوید در مقابل نماز شب‌های محبوب، نماز شب‌های من هیچ است. آتش محبت همه نمازهایش را در نظرش می‌سوزاند.

هیچ چیز به جز «محبت به اهل‌بیت(ع)» و در رأس آنها محبت به مادرشان حضرت زهرا(س)، نمی‌تواند انسان را از عجب نجات دهد. هیچ چیز به جز محبت، انسان را پاک نمی‌کند. «وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَائَتِكُمْ طَبِيبًا لِّخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِّأَنْفُسِنَا وَ تَزَكِيَةً لَّنَا».

لذا همه نیاز به «محبت» دارند. «محبت اهل بیت» اکسیر اعظم است؛ و البته تأثیر حتی که ام‌الانتمه می‌تواند در دل‌های پاک مؤمنان داشته باشد، بیش از تمام امامان ماست. این مطلب مثل روز روشن است؛ بالاخره، حضرت زهرا(س) مادر است و مادر ارتباط حبشی‌اش یک چیز دیگر است.

تأکید دین بر محبوبیت آن حضرت

در دین ما نیز تأکیدات و سفارشات زیادی بر محبوبیت حضرت زهرا(س) وجود دارد.

محبوبیت حضرت زهرا(س) از زبان قرآن

خداوند در قرآن به محبت اهل‌بیت پیامبر(ص) دستور داده است و این محبت را اجر رسالت پیامبر اکرم(ص) معرفی می‌کند: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو من از شما مزدی را نمی‌خواهم جز مودت با نزدیکانم.»^{۱۹} بنا به دستور قرآن، باید فاطمه(س) را دوست داشت.

محبوبیت حضرت زهرا(س) در نزد پیامبر

شخص پیامبر گرامی اسلام(ص) محبت ویژه‌ای به فاطمه(س) داشتند که به هیچ کس دیگری چنین محبتی را نداشتند. همه می‌دانند که پیامبر(ص)، حضرت زهرا(س) را خیلی دوست داشتند و در رفتار هم این محبت را نشان می‌دادند. پیامبر(ص) جلوی پای فاطمه‌اش بلند می‌شد و جای خود را به او می‌داد.^{۲۰} تنها درباره او فرمودند که من بوی بهشت را از فاطمه‌ام استشمام می‌کنم.^{۲۱} پیامبر(ص) در مورد ایشان فرموده است: «فَتَاهَا أَبُوهَا؛ پدرش به فدایش»^{۲۲}

^{۱۹} قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۲۳

^{۲۰} «رَوَوْا عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قَامَ لَهَا مِنْ مَجْلِسِهِ وَقِيلَ رَأْسُهَا وَ أَجْلَسَهَا مَجْلِسَهُ؛ از عایشه نقل شده که هنگامی که فاطمه س بر پیامبر داخل می‌شد، حضرت از جای خود بلند می‌شدند و سر او را می‌بوسیدند و او را در جای خود می‌نشاندند.» المناقب، جلد ۳، صفحه ۳۳۳

^{۲۱} «فَأَنَا أَسْمُ مِنْهَا رَاتِحَةً الْجَنَّةِ»، علل الشرائع، جلد ۱، صفحه ۱۸۳

^{۲۲} امالی صدوق، صفحه ۲۳۴

برای کسب محبوبیت

۱. ادب فاطمیه

آتش محبت، نه تنها بدی‌های انسان را می‌سوزاند باید خوبی‌ها انسان را هم بسوزاند؛ و فاطمیه محلی است که باید این محبت، شعله‌اش همه وجود من را فرا بگیرد. آیا آن محبتی که باید خوبی‌هایمان را هم بسوزاند، در درون ما به حدی رسیده است که لااقل بدی‌های ما را بسوزاند؟ نکند به این حد نرسیده باشد؟ نکند فاطمیه بیاید و بگذرد و آتش محبت فاطمه(س) ما را پاک نکند؟ اگر فاطمیه درست نشویم، کی می‌خواهیم درست شویم؟ یا فاطمه، اگر ایام فاطمیه بگذرد و محبت تو در وجودمان شعله نکشد...

۲. «احترام»، غیر از «محبت» است

بسیاری از اوقات، آن چیزی که از ما بروز می‌کند، «احترام» به حضرت زهراست، نه «محبت» به ایشان. حواسمان باشد اشتباهی نگیریم. «محبت»، چیزی فراتر از ادب و احترام است. در روایت داریم که ادب، عیب انسان را پنهان می‌کند^{۳۳}، انسان مؤدب ممکن است حتی از چیزی زیاد خوشش نیاید اما طوری رفتار می‌کند که این خوش نیامدنش زیاد معلوم نیست. نکند ادبمان نسبت به اهل بیت، عیمان، که همان کم دوست داشتن اهل بیت است، را پنهان کند.

۳. محبت نهایت ندارد

محبت به اهل بیت(ع) خیلی بیشتر از اینها می‌تواند در درون ما افزایش یابد. هیچ وقت به محبت‌هایی که به اهل بیت داریم اکتفا نکنیم. محبت به اهل بیت(ع) خصوصاً محبت به حضرت زهرا(س) از حداقل‌هایی شروع می‌شوند و تا حد بی‌نهایت می‌تواند رشد داشته باشد. امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «لَوْ أُحِبَّتِي جَبَلٌ لَتَهَاقَتْ: اگر کوه من را دوست داشته باشد، از هم می‌پاشد»^{۳۴} این اثر محبت است. محبت این قدر جا دارد تا ما را بکشد در راه حضرت زهرا(س). از خودمان انتظار داشته باشیم. ما می‌توانیم با محبت به حضرت زهرا(س) به اوج مقام‌های معنوی نائل شویم. رزمندگان دوران دفاع مقدس را می‌دیدیم که چگونه با ارتباط خصوصی و محبت‌آمیز و قشنگی که با حضرت زهرا(س) داشتند، به اوج معنویت می‌رسیدند.

۴. تهذیب نفس، راه تحصیل محبت

خداوند وقتی به چیزی امر می‌کند، لوازم آن را هم فراهم می‌کند. وقتی دستور می‌دهد که اهل بیت پیامبر را دوست داشته باشید، زمینه این محبت را در قلب ما و در فطرت ما قبل از آن فراهم کرده است.

ما باید محاسبه کنیم نفس خودمان را که چقدر حضرت زهرا(س) را دوست داریم. محبت یک رابطه‌ای با صفای باطن انسان دارد. ما به مقدار گناهانمان، از محبت حضرت زهرا(س) فاصله می‌گیریم. محبت به ایشان، «ظرفیت» می‌خواهد و این ظرفیت با «تهذیب نفس» افزایش می‌یابد.

همان طور که در ماه رمضان تهذیب نفس می‌کنید تا نورانی شوید، در ایام فاطمیه به خاطر محبتی که در قلبت شعله می‌کشد بیا بیشتر در طلب طهارت باش و اقدام به تهذیب نفس کن تا از این محبت بیشتر بهره ببری.

^{۳۳} «حسن الآداب یستر قبح النسب»، غرر الحکم، صفحه ۲۴۸، حدیث ۵۱۱۰

^{۳۴} نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۱۱

۵. فاطمه(س)؛ مادر ما

حضرت زهرا(س) را در مقام یک مادر قرار دهیم. یادمان باشد که مادر همیشه به فرزند خود محبت دارد. و اگر فرزند چیزی از او بخواهد دریغ نمی‌کند. در اعتقادهای ما هست که جبرئیل اخبار ما مسلمانان را تا قیامت به مادرمان می‌دهند.^{۳۵} چرا حضرت باید از ما اطلاع داشته باشند؟ مادر است دیگر، نگران فرزندانش است.

حضرت زهرا(س) به عنوان مادر به شما علاقه دارد. مادران شما را به مجلس خودش آورده است. با دیدن شما قلبش آرام می‌گیرد. اگر جلسه فاطمیه نیائید مادران بی‌قرار می‌شود خصوصاً اینکه این مادر در بستر بیماری هم افتاده و امید برخاستن از بستر را نداشته باشد...

۶. محوریت «محبت» برای بالا بردن ارزش مظلومیت است

مراد از محوریت «محبت» این نیست که به موضوع مظلومیت نپردازیم. اولاً همانطور که گفته شد، اقتضات ایجاب می‌کند که از محبت حضرت زهرا(س) صحبت بشود. ثانیاً اگر محبوبیت را در میان مردم افزایش بدهیم، دیگر مردم به مظلومیت نرسیده، برای حضرت زهرا(س) می‌میرند. اگر داریم بر طبل محبوبیت می‌کوبیم برای این است که آتش مظلومیت شعله‌ورتر بشود. اگر روی محبوبیت کار کنیم، دیگر مردم به جایی می‌رسند که نمی‌شود برایشان روضه خواند. اگر محبوبیت حضرت زهرا(س) افزایش پیدا کند، می‌دانی تو برای کدام مظلومیت گریه می‌کنی و بلکه جان می‌دهی؟ برای آن می‌میری که فاطمه زهرا(س) دختر پیغمبر، مجبور شد برای گرفتن حش، برای گرفتن فدکی که پیامبر خدا به او بخشیده بود، از خانه بیرون برود... از خانه بیرون رفت تا قبالة فدک خود را بگیرد...

